



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



خوانندگان گرانقدر افغان جرمن آنلاين!
با کمال تأسف نوشته جناب محترم جانباز صاحب بنا بر مشکلات تخنیکي مکمل نشر نشده بود اینک با معذرت از شما و جانباز صاحب آنرا بار دوم مکمل نشر می کنیم.

۲۰۲۴/۰۸/۰۷

نوشته: غوث جانباز

آیا ایران و اسرائیل این بار داخل جنگ داغ خواهند شد؟

حوادثی که اخیراً در شرق میانه اتفاق افتاد، در واقعیت کدام تفاوت فاحشی از واقعات که در این جغرافیا طی حداقل ۶۰ - ۵۰ سال رخ می دهند، ندارد. اسرائیل به هیچ صورت حاضر به انعطاف پذیری نیست .

از دید موازین حقوق بین الملل، اسرائیل کشوریست متجاوز، و اشغالگر اراضی که به او تعلق ندارد. طوریکه همه می دانند، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ فیصله بعمل آورد (این فیصله کمافی سابق قابل اجراست) تا در اراضی که در آن زمان تحت کنترول برتانیه کبیر بود، یعنی سرزمین فلسطین دو دولت ایجاد گردد : دولت یهودی ها و دولت اعراب فلسطین .

در سال ۱۹۴۸ اسرائیل استقلال خود را اعلام نموده و همزمان با آن بخش بزرگ از خاک فلسطین را نیز به اشغال خویش درآورد. به دولت فلسطین حتی مجال تاسیس و اعلام استقلال داده نشد. دقیقاً از همان زمان منازعه در حوزه شرق میانه آغاز گردیده و تا اکنون دوام دارد. در نتیجه اشغال، میلیون ها عرب فلسطینی از حق داشتن میهن محروم ماندند. افزون بر آن، اسرائیل بخش از اراضی مصر، به شمول شبهه جزیره سینا، قسمتی از خاک اردن را در سواحل غربی دریای اردن، ارتفاعات جولان متعلق به سوریه را نیز به اشغال خود درآورد. اسرائیل در رابطه به بلندی های جولان ادعا داشته که از این بلندی ها مورد حملات راکتی قرار گرفته است؛ لیکن این ادعا مشروعیت ندارد، چون بلندی های جولان اراضی سوریه شمرده می شود و اسرائیل مکلف است آنجا را ترک نماید.

تمام این اقدامات اسرائیل بارها در ادوار مختلف از طرف سازمان ملل متحد، نکوهش و محکوم گردیده، لیکن اسرائیل کوچک ترین وقعی به آن نگذاشته است.

آنچه ارتباط می گیرد به لبنان؛ لبنان کشوریست با ترکیب پیچیده از اقوام و مذاهب مختلف. کرسی های بلند حکومتی در آنجا بین عیسوی ها، مسلمانان سنی و شیعه تقسیم گردیده است. سازمان "حزب الله" از پیروان مذهب شیعه در لبنان نمایندگی می نماید. حزب الله بر بنیاد هم مذهب بودن با ایران، مناسبات نزدیک با اینکشور که شیعیزم ایدئولوژی رسمی آن است، دارد.

اسرائیل بارها کوشش نموده لبنان را در کل یا قسمی به اشغال خویش درآورد. بطور مثال، اسرائیل در سال ۱۹۸۲ قتل عام وحشتناکی را در حومه بیروت در کمپ های مهاجرین فلسطینی "صیرا" و شتیلا برپا نمود. نظامیان اسرائیلی طی دو روز با وحشت و درندگی بی سابقه هزاران فلسطینی را به قتل رساندند.

د پاپو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنيزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

اسرائیل در سال ۲۰۰۶ یک بار دیگر تلاش کرد به اصطلاح "پیروزی" سال ۱۹۸۲ را تکرار نماید؛ لیکن این بار با مقاومت شدید جنگجویان حزب الله مواجه گردیده و حمله اسرائیلی ها نه تنها دفع، بلکه سرکوب گردید. نظامیان اسرائیلی با تقبل تلفات فراوان عقب نشینی نمودند. انصافا باید تذکر دهیم که اردوی دولت مرکزی لبنان از ظرفیت کافی نظامی برخوردار نبوده، اساسا قوه اصلی نظامی در این کشور نزد طرفداران و اعضای سازمان حزب الله متمرکز می باشد.

از این تاریخچه مختصر در این نوشته بخاطر آن یاد آوری صورت گرفت تا خوانندگان عزیز پی ببرند که تأمین صلح در حوزه شرق میانه صرف در صورت ترک فوری اراضی اشغالی، رعایت بدون قید و شرط تمام مصوبات سازمان ملل متحد، به شمول تاسیس دولت فلسطین و برسمیت شناختن آن توسط اسرائیل می تواند امکان پذیر باشد.

به قتل رساندن اسماعیل هنیه مسوول دفتر سیاسی حماس در قلب پایتخت ایران، احتمال وقوع جنگ تمام عیار را میان ایران و اسرائیل بیشتر ساخته است. به گمان اغلب، و عجالتا کشته شدن شخص اسماعیل هنیه در اینجا عامل تعیین کننده وقوع بالفعل جنگ نشود، (گرچه این عامل نقش بسزای خود را بازی نموده است)، لیکن به قتل رساندن این سیاست مدار فلسطینی که از حمایت خاص ایران برخوردار بود در قلمرو خشم عظیم و قابل درک حاکمان این کشور را برانگیخته است.

اسماعیل هنیه، یک روز قبل از کشته شدن به دعوت مقامات ایرانی برای اشتراک در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان رئیس جمهور جدید این کشور به تهران آمده بود. ظاهرا هیچ چیزی بیانگر وقوع فاجعه نبود؛ حتی تصور آن هم نمی رفت که دشمن ایران (اسرائیل) تا این حد پیش برود و جسارت نماید.

مناسبات ایران و اسرائیل در ۴۵ سال اخیر در وضعیت "جنگ سرد" قرار داشته، لیکن از آغاز سال ۲۰۲۴ این دو کشور عملا در یک قدمی درگیری تمام عیار قرار داشته اند. درگیری که بدون مبالغه نه تنها منجر به تباهی طرفین، بلکه عواقب وحشتناکی برای تمام منطقه و فراتر از آن در پی خواهد داشت.

هم ایران و هم اسرائیل پیوسته تأکید نموده اند که هرگاه سوال بود و نبود دولت های شان مطرح شود، اقدامات قاطعانه را علیه یک دیگر روی دست خواهند گرفت .

انکشاف اوضاع در حال حاضر نشان می دهد که طرفین حاضر به هیچگونه تفاهمی نیستند. طرفین تا حدی در تبلیغات و نفرت پراگنی به ضد یک دیگر پیش رفته اند که حتی حاضر به پذیرفتن موجودیت سیاسی یک دیگر نبوده و هیچگونه تمایلی به مذاکره در عقب میز و میانجیگر جالب ثالث - بیطرف ندارند. تهران و تل ابیب تقریبا مطالبات مشابه از یک دیگر داشته و هر یک بار مسوولیت را به دوش جانب مقابل میاندازد.

عوامل تشدید بحران کنونی بین طرفین نسبتا مشهود است. واقعه ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ برای اسرائیلی ها نقطه عطف و حتی برگشت ناپذیر گردید. بینامین نتانیاهو صدراعظم اسرائیل اعلام نموده که از هر آن کس که در واقعه ۷ اکتوبر دست داشته انتقام خواهد گرفت. حکومت افراطی راستگرای اسرائیل قطعا به آن باور است که ایران در عقب واقعه ۷ اکتوبر قرار داشته و "سفارشگر" اصلی آن می باشد.

انصافا باید خاطر نشان نمایم که اسرائیل تا کنون هیچگونه اسناد و مدارک قناعت بخشی را برای تائید و ثبوت ادعای خویش ارائه نداشته است.

اسماعیل هنیه مقتول، مسوول دفتر سیاسی حماس معمولا در کشور قطر بودباش داشته و گاه و بیگاه به ترکیه سفر می کرد. لیکن اسرائیل تصمیم گرفت هنیه را نه در قطر یا ترکیه، بلکه در ایران از بین ببرد. اسرائیل با این اقدام خود یک بار دیگر تلاش نمود تا ایران را به رویا رویی تمام عیار علیه خود و امریکا تحریک نماید، و طوریکه دیده می شود حاضر نیست از تحریکات بعدی دست بکشد یا توقف نماید. بطور مثال، مقامات رسمی اسرائیل در واپسین واکنش های خویش خاطر نشان ساخته اند که برای دفع حمله احتمالی ایران، اسرائیل امکان حمله پیشگیرانه را علیه ایران بعید نمی داند.

چهار ماه قبل، بتاريخ اول اپریل اسرائیل دست به ماجرای مشابه زده، دفتر قنصلی ایران را در شهر دمشق (سوریه) مورد حمله قرار داد که در اثر آن ۱۱ دیپلمات ایرانی و دو تن جنرال سپاه پاسداران اینکشور به قتل رسیدند. اسرائیل اعلام داشت که جنرال های کشته شده مربی های جنگجویان فلسطینی سازمان حماس در غزه بودند.

ایران دو هفته پس از حمله اسرائیل بر دفتر قنصلی در دمشق برای اولین بار یکجا با متحدین نیابتی اش مانند حزب الله و حوثی های یمن به اسرائیل پاسخ داد. ایران با استعمال درون ها و راکت های بالستیک مستقیما اراضی اسرائیل را هدف قرار داد. لیکن ناظرین به آن باور اند که انداختن های ایران کدام زیان خاصی به اسرائیل در پی نداشته است. با اینهمه، مقامات ایرانی برای نخستین بار نشان دادند که منبع از روش مدارا در برابر اسرائیل کار نخواهند گرفت.

ایران طی بیست سال اخیر در مقابل کشتار عده ای زیادی از دانشمندان، دولتمردان و نظامیان برجسته خویش توسط اسرائیل سکوت اختیار نموده و خوددارانه عمل می نمود: مقامات ایران از آن هراس داشتند که مبادا کشور شان در دام دشمن مکار و حيله گر بیافتد و داخل جنگ تمام عیار و فرسایشی شود، چیزیکه منجر به تضعیف قابل ملاحظه منابع و ظرفیت های اقتصادی آن خواهد شد. افزون بر آن، در رهبری ایران ادراک این مسئله نیز وجود داشت که توانمندی کافی تکنالوژیکی، تخنیک و نظامی را برای تقابل کلان فزیک نداشت، بنابراین، نمایش جذبات و اقدامات عجولانه کشور را بطرف نابودی سوق خواهد داد.

لیکن، اوضاع در حال حاضر تغییر یافته است. ایران از توانمندی های تخنیک، نظامی و تکنالوژیکی قابل ملاحظه اسرائیل تصور عینی دارد. قابل تذکر است که ایران نیز طی سالیان اخیر دست زیر الاشه ننشسته و به تقویه ظرفیت های نظامی و تخنیک خویش پرداخته، زیرا درک می نمود که جنگ دیر یا زود درخواهد گرفت.

ایالات متحده امریکا اوضاع شرق میانه را با دقت زیر نظر دارد. وزیر امور خارجه امریکا انتونی بلینکین حین تماس با همتایان خویش در G7 به آنان خبر داد که ایران و سازمان حزب الله احتمالا طی روز های نزدیک بر اسرائیل حمله نمایند. بلینکین قید نموده بود که گرچه تعیین زمان دقیق حمله مشکل است، لیکن حمله می تواند در جریان از ۲۴ تا ۴۸ ساعت صورت گیرد. (این خبر بتاريخ ۴ اگست منتشر شده بود، حمله تا کنون صورت نگرفته)

یک مأمور بلند رتبه امریکائی، معاون مشاور امنیت ملی اینکشور "جان فائینر" طرفین منازعه را فراخواند تا "به میز مذاکرات برگردند".

صدراعظم اسرائیل نتانیاھو به نوبه خود لب به شکایت گشوده اظهار داشت که "حماس پیوسته مطالبات خود را تغییر می دهد." دلچسپ است که جانب مقابل دقیقا همین اتهام را بالای اسرائیل می بندد.

امریکائیها از یک سو درک آنرا دارند که ایران توانائی دفاع از خود را دارد، از جانب دیگر علاقه ندارد که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری جنگ تمام عیار در منطقه به اشتراک متحد شان (اسرائیل) درگیرد، چون با وجود سردی روابط میان بائیدن و نتانیاھو، امریکا چاره جز ایستاد شدن در کنار اسرائیل نخواهد داشت.

سوال اینجاست که آیا ایران خواستار جنگ در شرایط کنونی است یا خیر؟ با اطمینان کامل می توان گفت که ایران جنگ نمی خواهد. ایران در حال حاضر با مشکلات عدیده اقتصادی، اجتماعی و منطقه ئی در داخل کشور روبرو بوده و خود را مکلف به رفع آن می داند، تا وضعیت ناهنجار اقتصادی و گسست های در حال تعمیق اجتماعی در کشور بهبود یابد.

تصادفی نیست که ایران اخیرا به سازمان های در حال توسعه شانگهای و بریکس پیوسته و مناسبات خود را با "سازمان اقتصادی ایرو آسیا" وسیعا تأمین نمود.

میرهن است که ایران با پیوستن به این سازمان ها قصد دارد از انزوای که غرب بر آن تحمیل می دارد خود را برهاند و تأثیرات منفی تحریمات و تعزیرات امریکا را بالای اقتصاد و موقف سیاسی خویش کاهش دهد. تردیدی نیست که موازی با تحکیم روابط با سه سازمان که در فوق از آن نام برده شد، وضعیت اقتصادی ایران بهتر خواهد شد، چیزیکه دشمن آن، یعنی اسرائیل از آن هراس دارد.

افزون بر این همه، مسعود پزشکیان رئیس جمهور جدید ایران حین سخنرانی در مراسم تحلیف اعلام داشت که علاقمند تأمین روابط با جهان غرب بوده و جدا طرفدار درگیری مسلحانه در منطقه نمی باشد .

سفر سیرگئی شویگو منشی شورای امنیت روسیه به تهران، بازدید های مسوولین سکتور های دفاعی- نظامی عده ای از کشور های منطقه، حمایت تغییر ناپذیر چین و دول " جنوب جهانی" از ایران، بر این اصل صحه می گذارد که ایران در صورت تهاجم مستقیم غرب تنها نخواهد ماند.

سخن اخیر:

ایران، در شرایط کنونی قصد جنگیدن را ندارد. برای این هدف مثل گذشته یک بار دیگر از گروه های نیابتی کم مصرف، لیکن سر به کف خود استفاده خواهد کرد و خودش به قول ما افغان ها تا تحول کیفی و بنیادی در داخل کشور، "بالای غندی خیر" خواهد نشست و نظاره گر باقی خواهد ماند .

<https://t.me/JANVITTAG/4830>

[آرشیف: آقای جانباز در پورتال افغان جرمن آنلاین](#)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ